



سال اول
زمستان ۱۴۰۳

مقاله همایش

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

DOR:

به نام خدا

هفت برهان اثبات وجود خداوند

چکیده

امروزه ضرورت ارائه براهین جدید در اثبات خداوند و یا بازطراحی براهین گذشته به دلایل متعدد بیش از گذشته است؛ چراکه جهان بینی مبتنی بر خداباوری، زیربنای همه علوم انسانی اسلامی است.

در این مقاله با روش نظریه پردازی که از برخی جهات با قالب مرسوم مقالات تفاوت هایی دارد، هفت برهان در اثبات وجود خداوند مطرح و اثبات می شود؛ که به نظر می رسد این براهین و با این تقریر، جدید بوده و سابقه قبلی ندارد؛ و عبارت است از: برهان زوجیت، برهان صدیقین شناخت نفس، برهان وجوب وجود، برهان امتناع و وجوب، برهان امتناع موجودات، برهان خلق قواعد، و برهان حسن و قبح عقلی.

اثبات صحت یا صدق برهان، مستلزم ارائه سازواری درونی مابین اجزای برهان و سازگاری بیرونی با دیگر قواعد عقلی است؛ و گاهی نیز، نیازمند مطابقت با عالم واقع (یا نفس الامر) می باشد. این مقاله تلاش نموده تقریرهای خلاصه و ساده شده ای از براهین هفت گانه ارائه داده و سپس با روش عقلی به اثبات مدعای خویش بپردازد. این براهین برگرفته از نظام فلسفی جدید حکمت علوی می باشد.

کلیدواژه‌ها: برهان زوجیت؛ برهان صدیقین؛ برهان وجوب وجود؛ برهان امتناع و وجوب؛ برهان خلق قواعد

پیشگفتار (تعاریف):

ارائه نظریات جدید در حوزه **خدا باوری** که جزء ضروریات و اولیات مبانی علوم انسانی اسلامی می باشد، گاه نیازمند خرق عادت و عبور از مرزها و قالب های عرفی و قراردادی است. یکی از قالب های علمی که البته در جای خود نیکو می باشد، قالب مرسوم مقالات است؛ که عمدتاً متناسب با بررسی و نقد نظریات موجود و یا ارائه تغییرات محدود در نظریات قدیم است. در حالیکه نقد کلی یک نظریه موجود و یا ارائه یک نظریه جدید گاهی در چهارچوب ها و قالب های مرسوم نمی گنجد. در گذشته نیز بزرگان به تناسب ضرورت یا سلاقی قالب های جدیدی برای بیان نظریات خود استفاده کرده اند؛ که نمونه آن منظومه حکیم سبزواری در فلسفه است؛ در حالیکه بین شعر و فلسفه ممکن است فاصله معنا داری وجود داشته باشد.

در طول تاریخ اعتقادی بشر، همواره براهین، دلایل و شواهد زیادی از سوی فلاسفه دین باور، متکلمان، عرفا در ضرورت واجب الوجود بالذات و یا به تعبیر دینی اثبات وجود حق تعالی صادر گشته است؛ این براهین اغلب متناسب با فضای فکری، فرهنگی و علمی هر دوران و یا مناسب برای پاسخ به سؤالات مطرح بوده است. برخی از این براهین بعدها مورد نقد یا چالش قرار گرفته و بازنگری شده و یا با براهین بهتری جایگزین شده است.

امروزه با بروز و ظهور، و کشف دانش های جدیدی از عالم، و یا توسعه شگرف برخی علوم و دانش های قبلی، ضرورت بازنگری در برخی براهین گذشته و یا تولید براهین متناسب با علوم و نیازهای روز، بیش از گذشته می باشد. در همین جهت این مقاله با روش نظریه پردازی هفت برهان بر وجود خالق هستی مطرح و به اثبات آن می پردازد؛ که عبارت از: برهان زوجیت، برهان صدیقین شناخت نفس، برهان امتناع و وجوب، برهان وجوب وجود، برهان امتناع موجودات، برهان خلق قواعد، و برهان حسن و قبح عقلی می باشد. این براهین برگرفته از نظام فلسفی جدید حکمت علوی می باشد.

روش نظریه پردازی در اثبات صحت برهان، مستلزم ارائه سازواری درونی مابین اجزای برهان و سازگاری بیرونی با دیگر قواعد عقلی است؛ و لذا ممکن است با ساختار مرسوم برخی مقالات متفاوت باشد. در همین راستا اصطلاحات زیر در این نوشتار با معانی و مفاهیم ذکر شده مورد استفاده قرار گرفته است.

طبیعت: هر آنچه بصورت مستقیم یا غیر مستقیم با حواس قابل مشاهده و یا اندازه گیری است.

جهان: کیهان و همه عناصر موجود مادی قابل مشاهده یا غیر قابل مشاهده آن.

هستی: همه آنچه در عالم ماسوی الله وجود دارد، اعم از موجودات مادی و مجرد.

برهان: مجموعه گزاره هایی که بصورت منسجم و هدفمند بر اساس عقل، منطق و یا احساس، میتواند موجب اقناع فرد در ارتباط با یک حکم یا باور بشود.

موجود: هر شیء یا فردی که در هستی، وجود داشته باشد.

مادی: موجودی (ماهیتی) که مقید به مکان و زمان است.

مجرد: موجودی (ماهیتی) که مقید به مکان یا زمان و یا مقید به هیچکدام نیست. توضیح بیشتر اینکه تجرد تشکیکی است و سلسله مراتب دارد؛ لذا یک موجود مادی نیز گاهی و در شرایطی ممکن است از قید مکان یا زمان خارج شده و گام در عالم تجرد گذارد.

ماهیت: چیستی و حقیقت فرد یا شیء موجود.^۱

فلسفه حکمت علوی: نظام جدید فلسفی که بر مبنای سخنان گهربار امام علی (ع) و خصوصاً خطبه ۱ نهج البلاغه تبیین و تدوین شده است؛ و با نگاه به فلسفه های گذشته و موجود اعم از نظام های فلسفی معروف به فلسفه اسلامی و یا مکاتب فلسفه غربی، بسیاری از مفاهیم را بازنگری و بازتعریف کرده است؛ و قواعد و احکام جدیدی در این حوزه مطرح نموده است. که مسائل فلسفی را خیلی بهتر، معقول تر، ساده تر و دلچسب تر می تواند پاسخ یا توضیح دهد. همچنین تطابق بسیار بهتری با گزاره ها و متون دینی دارد.

۱ - این تعریف از ماهیت نزدیک به تعریف ماهیت به: ما به الشیء هو هو، است؛ ولی از جمله تفاوت های آن، عدم اطلاق ماهیت بر شیء معدوم است. البته عدم نسبی، یعنی نبودن شیء در یک مکان یا زمان خاص، مستثنی است و مشمول بیان ماهیت هست. به عنوان مثال هنگامی که خبر از موجودی در گذشته، می دهیم، حقیقت او را در ظرف وجودی آن زمان بیان می کنیم. و لذا وجود، و نحوه وجود، بخشی از حقیقت شیء و به عبارتی جزو ماهیت آن شیء است.

(۱) برهان زوجیت:

مقدمه:

با توجه به تغییرات سریع و شگرف بسیاری از علوم، لزوم بروز آوری براهین خدا شناسی و به تعبیری اثبات وجود خداوند، به شدت احساس می شود. یکی از این براهین **برهان زوجیت** است؛ که یک برهان اتقان صنع و یا مبتنی بر الهیات طبیعی است؛ و لااقل یک دهه قبل، در فلسفه جدید حکمت علوی مطرح شده و سابقه دیگری برای آن یافت نشده است. برهان زوجیت برگرفته از آیات شریفه ۲۱ سوره روم - ۸ نباء ۱۱ شوری و دیگر آیات کریمه مشابه است.

تقریر ساده برهان زوجیت بدینگونه است که:

- ۱- هر چیزی را که در عالم طبیعت نگاه می کنیم، زوج آفریده شده است. (حتی الکترون و پروتون)
- ۲- قواعد عقلی چون سنخیت علی و معلولی و نیز قاعده الواحد لایصدر منه الا الواحد، می گوید که یک علت واحد نمی تواند دو معلول متفاوت داشته باشد .
- ۳- آنهم دو معلولی که مکمل همدیگر هستند. گویی موجودات و اشیاء در آن خلقت، و در لحظه خلقت، به دو مسیر متفاوت و در عین حال مکمل، رفته اند.
- ۴- چنین امری در نظام علی معلولی، بدون اراده خالق دانا، توانا و هدفمند، امکان پذیر نیست.

نتیجه: پدید آمدن اشیاء، موجودات و مخلوقات عالم فقط ناشی از نظام علی معلولی فیزیکی و مادی صرف نیست. بلکه اراده ای فراتر از این نظام علی و معلولی آن را هدایت می کند. باید توجه داشت پدید آمدن موجودات بصورت زوج، نمی تواند نتیجه وجود دو خالق باشد، چرا که در این صورت تفاوت و تمایز بین دو خالق موجب تناقض در مخلوقات می شد؛ که نتیجه اش فساد در مخلوقات و موجودات بود و نه زوجیت و تناسب و سازگاری دو موجود با هم؛ و همچنین باید توجه داشت ادامه خلق و حیات هم نتیجه همین زوجیت است.

۲) برهان صدیقین شناخت نفس:

مقدمه:

با یک تعریف رایج، برهان صدیقین، برهانی است که متکی بر دلایل یا مبانی تجربی و یا حسی نباشد. در نظام جدید فلسفی حکمت علوی، برهان زیر بر وجود خداوند مطرح شده است، که یک برهان جدید و بدیع صدیقین محسوب می‌شود.

تقریر برهان این است که: **من هستم، پس خدا هست.**

توضیح و تفسیر برهان این است که:

۱- من هستم.

۲- من مسبوق به عدم هستم. یعنی زمانی و مکانی و امکانی قبل از من هست که من در آن زمان و مکان، و در آن شرایط امکانی، وجود نداشته‌ام.

۳- من خالق خودم نیستم. ونمی توانم خالق خودم باشم. (چون محذوریت عقلی تقدم شیء بر خودش پیش می‌آید؛ که محال است)

نتیجه: پس من مخلوق خالق غیر از خودم هستم؛ و خالق و خدایی وجود دارد که من را خلق کرده است.

اکنون محل بحث منتقل می‌شود به اینکه آیا این خدا که خالق من است، همان طبیعت است؟ و یا یک خالق فراتر از طبیعت است؟

پاسخ این است که طبیعت نمی‌تواند خالق من باشد؛ چرا که:

- من (یعنی حقیقت من)، در طبیعت موجود نبوده است؛ و فاقد شیء نمی‌تواند معطی آن باشد.

یعنی آن حقیقت وجودی من، که هویت من است و نه این سلولها و اتمهایی که از طبیعت است و دوباره به طبیعت بر می‌گردد، قبل از وجود من، در طبیعت وجود نداشته است.

- حقیقت من از جنس طبیعت هم نیست. چون با اندکی تأمل و درون‌نگری می‌یابم و متوجه می‌شوم که من، (یعنی هویت و حقیقت اصلی من)، با همه اشیاء طبیعت متفاوت

است، و به تعبیر دیگر من با هیچ یک از دیگر اشیاء و افراد طبیعت مساوی نیستم؛ و حتی با دیگر افرادی که همچون من انسان هستند نیز یکی و معادل نیستم. لذا من، قبل از اینکه موجود شوم، در طبیعت وجود نداشتم. (که البته یک امر بدیهی عقلی نیز هست).

- **من**، و حقیقت من، دارای ادراک است؛ در حالیکه طبیعت دارای ادراک نیست. و طبیعتی که دارای ادراک نیست نمی تواند معطی آن باشد.

- **من**، دارای اراده است؛ و اراده در طبیعت و اشیاء طبیعت موجود نیست. و لذا طبیعت نمی تواند معطی و خالق اراده باشد. لازم به توضیح است اراده و ادراک، مادی نیستند و بلکه مجرد هستند.

نتیجه اینکه طبیعت، نمی تواند خالق من باشد. بلکه خدایی باید باشد، و **هست**، که فراتر از طبیعت است.

این برهان برگرفته از حدیث مشهور "**من عرف نفسه فقد عرف ربه**" و الهام گرفته از آیه شریفه: "**الست بربکم قالو بلی**" می باشد.

۳) برهان وجوب وجود:

مقدمه:

براهینی چون امکان و وجوب، مورد انتقادهای زیادی قرار گرفته است؛ و برخی از انتقادات ممکن است قابل پاسخ دادن نباشد؛ لذا ضرورت بازنگری و بروز آوری این برهان با توجه به دانش ها و رویکردهای امروز احساس می شود.

در همین راستا، و با نگاه به موجودات عالم دیده می شود که هرآنچه موجود است، اعم از موجودات ذهنی و غیر ذهنی و یا مادی و مجرد، همگی وجودشان به حد ضرورت رسیده است که موجود شده اند؛ **الشیء ما لم یجب لم یوجد**.

آنچه در عالم مشاهده می‌شود اعم از آنکه هم اکنون در ذهن یا عالم خارج از ذهن وجود دارد و یا در گذشته و در مکانی یا زمانی دیگر وجود داشته است، همه آنها موجود هستند و هیچ کدام معدوم نیست؛ گرچه برخی از آنها در یک زمان یا مکان خاص، حضور (یا وجود) ندارند.

لذا تقریر ساده برهان وجوب وجود بدین صورت است که:

- ۱- هر چه که در عالم هست و موجود است، به حد ضرورت و وجوب رسیده است که موجود شده است.
- ۲- هر موجودی یا واجب بالذات است و یا واجب بالغیر.
- ۳- موجود واجب بالغیر، ناقص است؛ چرا که وجود خود را از دیگری اخذ می‌کند.
- ۴- موجود واجب بالغیر، نمی‌تواند موجب وجوب، برای موجودی دیگر شود، چرا که خود آن هم ناقص است؛ و موجود ناقص نمی‌تواند علت تامه برای شیء دیگری باشد.
- ۵- لذا یک موجود واجب بالذات لازم است که بتواند علت هستی بخش و ایجاد کننده دیگر موجودات (واجب بالغیر) باشد.

نتیجه: پدید آمدن اشیاء، موجودات و مخلوقات عالم نیازمند موجودی واجب بالذات است. لازم به ذکر است این برهان از امتناع تسلسل در اثبات وجود واجب استفاده نکرده است^۱.

۴) برهان امتناع و وجوب:

مقدمه:

برهان امکان و وجوب از قدیمی ترین و قوی ترین براهین عقلی در اثبات واجب الوجود بالذات است؛ ولی نقد های متعددی در خصوص این برهان مطرح گشته است. که از جمله موارد زیر است:

۱ - بدلیل انتقادات مختلفی که بر امتناع تسلسل مطرح و یا وارد می‌باشد.

۱. نقد از سوی نظریه‌های خودبسنده‌گی طبیعت:

- برخی از فیلسوفان و دانشمندان معتقدند که موجودات ممکن است به طور طبیعی و بدون نیاز به یک علت ضروری وجود داشته باشند. در این خصوص نظریه‌های علمی مانند بیگ بنگ و نظریه‌های تکاملی می‌توانند چگونگی وجود موجودات توضیح دهند و نشان دهند که نیازی به وجود یک موجود واجب نیست.^۱

۲. نقد بر عدم ضرورت مخلوق بودن:

- ممکن است این توضیح مطرح شود که اگرچه تک به تک موجودات عالم ممکن الوجود و مسبوق به عدم هستند، ولی هیچ ضرورتی ندارد که کل جهان هستی نیز ممکن الوجود و مخلوق باشد؛ به عبارتی احکام جزئیات را الزاماً به کلیات نمی‌توان تسری داد.

۳. نقد بر تعریف موجود واجب:

- برخی منتقدان ادعا می‌کنند که مفهوم “موجود واجب” ممکن است به طور منطقی مبهم باشد؛ چرا که تصور و یا درک موجود واجب بالذات ممکن نیست؟ و چگونه می‌توان ویژگی‌هایی مانند علم مطلق، قدرت مطلق و خیر مطلق را برای موجود واجب متصور شد؟ آیا این ویژگی‌ها خود نیاز به توضیح ندارند؟

۴. مسئله تناقض در وجود:

- برخی از فیلسوفان مانند دیوید هیوم و ایمانوئل کانت به این نکته اشاره کرده‌اند که وجود یک موجود واجب ممکن است به تناقض بینجامد. آنها می‌گویند چرا باید موجودی چون خداوند را ضروری دانست در حالی که وجود او به هیچ چیز دیگری وابسته نیست؟

۱ - این گروه از دانشمندان در پاسخ به اینکه چرا این جهان وجود دارد و هست، پاسخ می‌دهند چون هست. و ضرورتی ندارد که ایجاد شده باشد؛ چرا که عدم این جهان، قابل تصور نیست.

- این نقد را اینگونه می‌توان توضیح داد که از الزام وجود واجب (بالذات)، نمی‌توان وجود او را اثبات کرد. آنها در توضیح اینکه چرا جهان هستی هست و موجود است، بیان میکنند چون هست. و چه ضرورتی دارد که موجودی واجب بالذات را برای خلق یا آفرینش جهان مطرح کنیم.

۵. نقد از منظر وجودی:

- منتقدان وجودی مانند سورن کیرکگور و مارتین هایدگر بر این باورند که برهان امکان و وجوب به سادگی نمی‌تواند وجود خداوند را اثبات کند، زیرا وجود خداوند با تجربیات دینی (انسان) و تجربیات (ادراکات) وجودی وابسته است، و براساس این تجربیات دانسته می‌شود؛ و لذا نمی‌توان آن را صرفاً از طریق استدلال‌های منطقی اثبات کرد.

۶. استفاده از اصل عدم تناقض:

- برخی فیلسوفان استدلال می‌کنند که وجود موجود واجب ممکن است به نقض اصل عدم تناقض بینجامد. به عبارت دیگر، آیا ممکن است چیزی هم وجود داشته باشد و هم وجود نداشته باشد؟
- در این خصوص توضیح بیشتری لازم است. در برهان امکان و وجوب، همه موجوداتی که وجود دارند (اعم از مادی و مجرد)، امکانی هستند و غیر واجب، و لذا وجود واجب الوجودی مطرح می‌شود که علت همه این موجودات است و وجود او امکانی هم نیست؛ و لذا با اینکه وجود دارد، ولی جزو موجودات هستی هم نیست. یعنی هم وجود دارد، و هم عضوی از موجودات هستی (اعم از مادی و مجرد) نیست.^۱ و این را نوعی تناقض در تصور، یا تناقض در اعتبار عقلی می‌دانند.

۷. مهمترین نقد بر برهان امکان و وجوب^۲:

- ۱ - این پیچیدگی در وجود واجب بالذات را در خطبه اول نهج البلاغه با عبارت شریف "مع کل شیء لا بمقارنه و غیر کل شیء لا بمزایله،" می‌توان مشاهده کرد.
- ۲ - این نقد برگرفته از فلسفه جدید حکمت علوی است.

- مهمترین نقد بر برهان امکان و وجوب که در مورد آن کمتر صحبت شده است، این است که موجود اگر در ساحت وجودی قرار داشته باشد، واجب است (الشئ ما لم یجب لم یوجد) و اگر وجود نداشته باشد، و معدوم باشد، پس وجود آن ممتنع است. و **حالت سوم و بینایی نیست که در آن حالت موجود را امکانی و ممکن الوجود بدانیم؛** یعنی هر شیء یا موجود است و یا معدوم. لذا آن چیزی که ذهن به عنوان ماهیت از یک موجود تصور یا اعتبار می کند، درواقع یک موجود ذهنی واجب به اعتبار ذهن، است. و از آنجا که ذهن می تواند تصوراتی کلی و مبهم از اشیاء بسازد، این **اشتباه** رایج شده است که این تصورات و مخلوقات ذهن را ماهیت اشیاء و ماهیت موجودات محسوب کرده اند، که ذهن فارغ از وجود یا عدم وجود اشیاء، و به عبارتی بصورت **لا به شرط**، اعتبار کرده است.
- به تعبیر دیگر، ذهن بر اساس ادراکاتی که از عالم خارج دارد، موجوداتی و اشیائی خلق می کند، که این موجودات قائم به ذهن هستند؛ و فهم ذهن از عالم واقع بر اساس موجوداتی است که خودش از تصور و تصویر ادراکات، خلق کرده است. ذهن، با مجرد سازی و دسته بندی ادراکات (بر اساس اشتراکات و افتراقات)، مفاهیم کلی خلق می کند؛ تا این مفاهیم کلی را در ارتباط با دیگر مفاهیم کلی که از سابق دارد، فهم و تعقل نماید.
- نکته مهم اینکه موجودات ذهنی همگی واجب (بالغیر) هستند؛ و ممتنع ندارند و ذهن خبری از ممتنع که درواقع معدوم است، نمی تواند داشته باشد، به تعبیر دیگر نمی تواند خبری از معدوم بدهد. به عنوان مثال: معقولات ثانیه منطقی که عروض و اتصاف خارجی ندارند نوعی از مخلوقات ذهنی است.^۱

۱ - معقولات و یا به تعبیری موجودات ذهنی، برخلاف تقسیم بندی سه گانه، دو نوع هستند و درواقع دو منشاء دارند یا منتج از ادراک هستند که درواقع اتصاف آنها در خارج از ذهن است، و یا منتج از اراده هستند که منشاء اتصاف آن در خود ذهن است. اولی را به معقولات اولی یا فلسفی تعبیر کرده اند و دومی را به معقولات ثانیه منطقی نام گذاری کرده اند.

- آنچه به عنوان عدم فلان شیء در فلان زمان یا مکان، شناخته می‌شود، که عدم نسبی است و نه مطلق، اگر با دقت فلسفی نگریسته شود، عبارت از این است که هر موجود مادی، مقید به زمان و مکان (خودش)، است؛ ولی ذهن می‌تواند تصویر آن موجود را در ذهن خلق کرده و این تصویر را (و یا هر تصویر مخلوق ذهنی دیگر را) در مکان یا زمان دیگری تصور و تعقل نماید. و بدین ترتیب وجود یا عدم آن شیء در آن زمان و مکان متمایز را اعتبار و نتیجه‌گیری نماید.^۱

لذا امروزه برهان امکان و وجوب نمی‌تواند یک برهان دقیق و کامل باشد، و قادر نیست به همه سؤالات و نقد های وارد بر آن پاسخ دهد. و به همین منظور برهان **امتناع و وجوب** که یک برهان بدیع است مطرح می‌شود.

تقریر ساده این برهان عبارت است از:

- ۱- همه موجودات عالم واجب هستند؛ یا واجب بالذات، و یا واجب بالغیر (یعنی وجود ربطی و معلولی)
- ۲- همه موجودات واجب بالغیر، مسبوق به عدم هستند. یعنی مسبوق به زمانی یا مکانی و یا ساحتی که وجود آن موجود، در آن ساحت معدوم و ممتنع بوده است.
- ۳- یک موجود (که آن را معلول می‌نامیم)، نمی‌تواند خودش، خودش را از ساحت عدم و امتناع به ساحت وجوب و وجود بیاورد.
- ۴- پس واجب بالذات یا واجب بالغیری لازم است که معلول را ایجاد و (از عدم) خلق نماید. که این واجب را علت می‌نامیم.
- ۵- این علت، باید توانایی لازم برای ایجاد و خلق از عدم داشته باشد.

۱ - این بیان به معنی غرق شدن در ایده آلیسم نیست. بر اساس فلسفه حکمت علوی، حقیقتی در خارج از ذهن ما وجود دارد؛ و شاید تنها فلسفه‌ای که بر وجود جهان خارج از ذهن ما استدلال عقلانی مطرح می‌کند، حکمت علوی باشد. ولی بیان فوق‌الذکر می‌گوید ظهور و تجلی آن حقیقت بر ذهن ما، وابسته به ادراک ما نیز هست.

۶- هیچ کدام از موجودات و اشیاء طبیعت و خود طبیعت، چنین توانایی را ندارند که چیزی را از عدم خلق نمایند.

در نتیجه موجود واجب بالذاتی لازم است که توانایی خلق از عدم داشته باشد؛ و چنین موجودی فراتر از طبیعت است.^۱

۵) برهان امتناع موجودات:

مقدمه:

این برهان تقریر جدیدی از برهان امتناع و وجوب است؛ که بر اساس شواهد تجربی شکل گرفته و اثبات می شود؛ و به عبارتی نوعی برهان اتقان صنع است. براساس برهان امتناع و وجوب، موجودات (اعم از ذهنی و غیر ذهنی) واجب هستند، و آنچه معدوم است، ممتنع است؛ و همه موجوداتی که واجب بالذات نیستند مسبوق به عدم و امتناع هستند؛ که برای عبور از ساحت امتناع و خلق از عدم، نیازمند یک موجود واجب بالذات می باشند.

ولی در این تقریر جدید با نگاه به همه موجودات و قواعد و پدیده ها، و تحلیل سبق و حقیقت آنها، نشان می دهد علاوه بر اینکه آنها مسبوق به عدم هستند، حقیقت همه این موجودات نیز عدم است؛^۲ و لذا برای وجود هر لحظه خود نیازمند موجودی واجب بالذات می باشند.

این برهان الهام گرفته از فراز گرانسنگ دعای جوشن کبیر "یا من خلق الاشیاء من العدم" می باشد.

تقریر برهان این است که:

۱ - لازم به ذکر است که این برهان از محالیت تسلسل آنچنان که در برخی تقریرهای برهان امکان و وجوب و یا سایر براهین استفاده می شود، استفاده نکرده است؛ و علت آن نقد هایی است که بر مسئله تسلسل وارد می باشد.

۲ - لازم به ذکر است نظام های فلسفی و فلاسفه همیشه بدنبال کشف یا شناخت اصلی ترین زیرساخت و زیربنای هستی و یا موجودات، بوده اند؛ و در همین راستا به سوی طرح نظریه هایی چون ماده هیولانی، ایده یا مثال، نظریات اتمیسم، موند، و رفته اند؛ ولی در نظام فلسفی حکمت علوی نشان داده می شود که حقیقت اشیاء و یا همان زیرساخت همه موجودات چیزی جز عدم نیست.

- ۱- هرآنچه در عالم مشاهده می‌کنیم، واجب است، که هست^۱؛ و موجود شد است. (یا واجب بالذات است و یا واجب بالغیر)
- ۲- هرآنچه در عالم مشاهده می‌کنیم، نباید می‌بود^۲.
- ۳- آنچه نباید می‌بود ولی هست، نیازمند دلیل و علتی (محکم و مسلم^۳) است.
- ۴- چنین علتی در خود موجود نیست؛ چرا که هیچ یک از موجودات هستی نمی‌تواند خودش علت خودش باشد.
- ۵- علت (حقیقی) موجودات در طبیعت هم نیست^۴؛ و طبیعت نمی‌تواند علت حقیقی آن باشد؛ چرا که قبل از وجود هر موجودی طبیعت فاقد آن بوده و فاقد شئی نمی‌تواند معطی آن باشد.

نتیجه: چنین دلیل و علتی برای همه موجودات هستی وجود دارد؛ و فراتر از طبیعت است^۵.

- ۱ - لازم به ذکر است در برهان سنتی امکان و وجوب می‌گوید هرآنچه در عالم هست امکانی است؛ و می‌توانست نباشد. در حالیکه در این برهان جدید می‌گوید این پدیده، قاعده و یا موجودی که هست، امکانی نیست بلکه واجب است که هست؛ ولی حقیقت آن عدم است.
- ۲ - در این خصوص توضیح و مثال لازم است. به عنوان مثال: چرا باید دو جنس مخالف (زوج) به همدیگر علاقه داشته باشند؛ و چرا یک مادر باید به فرزند خود علاقه داشته باشد، و عشق بورزد؛ در حالیکه هیچ دلیل منطقی درخصوص این علاقه ذاتی، وجود ندارد. و حتی اگر هدف موجود را حفظ منافع یا وجود و حیات خودش بدانیم، این عشق و علاقه در جهت حفظ منافع فردی وی نیست؛ و هیچ دلیل منطقی هم نمی‌توان یافت بر اینکه یک موجود به قیمت آسیب به خودش بدنبال حفظ و بقای نسلش باشد. در خصوص سایر پدیده‌ها و یا موجودات نیز چنین است؛ و هنگامی که با دقت در آن می‌نگریم، هیچ دلیل منطقی نمی‌یابیم که این پدیده باید موجود باشد؛ در حالیکه هست؛ و موجود است.
- ۳ - یک علت متزلزل و ناپایدار، یا همان علتی که وجودش را از دیگری گرفته است، نمی‌تواند علت واقعی و حقیقی موجودات باشد. همچنین یک علت احتمالی و فرضی هم نمی‌تواند عامل ایجاد موجودات باشد؛ چرا که موجودات یک حقیقت عینی و به تعبیری اعیانی ثابت هستند.
- ۴ - البته علل اعدادی وجود موجودات را می‌توان در طبیعت پیدا کرد؛ به عنوان مثال هنگام قلیان عشق مادر به کودک و یا عشق زوجین به همدیگر، شاید وجود یا ترشح برخی هورمون‌ها در بدن ایشان مشاهده شود؛ و حتی این امکان وجود داشته باشد که با تزریق مصنوعی آن هورمون‌ها، همان حالت‌های احساسی ایجاد شود؛ ولی اینها علت منطقی آن عشق و علاقه نیست؛ و فقط نقل کلام است به اینکه چرا با ترشح آن هورمون که یک شئی مادی است، علاقه که یک امر مجرد است ایجاد می‌شود؟ و یا برعکس چرا با قلیان عشق و علاقه که یک امر مجرد است، فلان هورمون‌ها نیز در بدن ترشح می‌کند؟
- ۵ - برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفترست معرفت کردگار

۶) برهان خلق قواعد:

مقدمه:

یکی از براهینی که در فلسفه کمتر مورد توجه و استفاده قرار گرفته است، این است که قواعد و قوانین صدور پدیده ها مقدم بر پدیده ها و موجودات هستند؛ در حالیکه قوانین بذاته و بدون وجود موجودات، هیچ ذات مستقل و منحازی ندارند؛ و بدون آن بی معنا می شوند. از سوی دیگر وجود هر شیء، حرکت شیء و یا نحوه رفتار آن شیء در مقابل یک پدیده، بر اساس قوانینی است که حاکم بر آن است.

قواعد و قوانین، نرم افزار عالم وجود است؛ و این قواعد قبل از وجود اشیاء و موجودات و فارغ از وجود اشیاء باید وجود داشته باشند. چرا که حتی ایجاد شیء و یا هر گونه حرکت شیء نیز تابع قواعدی است که بر آن حاکم و مقدم است.

با این توصیف تقریر این برهان چنین می شود:

- هر پدیده ای و هر حرکتی در عالم، و وجود هر موجودی، مسبوق به قواعدی است که بر آن حاکم است. و قواعد قبل از ایجاد موجود، و قبل از هر حرکت یا پدیده، وجود داشته اند.
- قواعد بذاته هیچ وجود خارجی ندارند.
- قواعد مادی نیستند.
- قواعد نمی توانند توسط خودشان ایجاد شده باشند.
- قواعد نمی توانند توسط طبیعت ایجاد شده باشند؛ چرا که علت هستند و مقدم و حاکم بر طبیعت هستند.
- در نتیجه خالق فراتر از طبیعت نیاز است که خلق یا ایجاد قواعد را ممکن ساخته باشد؛ و این فقط توسط یک خالق قادر عالم امکان پذیر است.

۷) برهان حسن و قبح عقلی:

مقدمه:

نظریه حسن و قبح ذاتی و عقلی، عمدتاً موضوعی از فلسفه اخلاق و یا اصول فقه است، که مدافعان و مخالفان آن عمدتاً در حوزه عقاید و کلام به دلائل یا نتایج آن می‌پردازند. ولی از دیدگاه فلسفی و عقلانی جای این پرسش باقی است که مبنای این حسن یا قبح چیست؟ چرا باید راست گویی نیکو باشد؟ چرا کمک کردن به دیگران پسندیده است؟ و چرا ظلم به دیگران قبیح است؟

گرچه مدافعان نظریه حسن و قبح عقلی یا ذاتی (در مقام ثبوت) اعلام می‌کنند این ذات این افعال است که همراه با نیکی و بدی است؛ و یا مدافعان نظریه حسن و قبح عقلی (در مقام اثبات) ذکر می‌کنند که باور به حسن و قبح برخی افعال، جزو بدیهیات عقلی و گزاره پایه است، ولی با دقت و تأمل در اینکه چرا عقل باید یک فعل را خوب و فعل دیگری را بد بداند، در حالیکه ممکن است به حسب ظاهر حتی منفعت او را نیز تأمین نکند، علتی فراتر برای این امر یافت می‌شود؛ و آن علتی است که در برهان زیر به آن پرداخته شده است؛ و به نظر می‌رسد این برهان بدیع برای اولین بار در نظام فلسفی حکمت علوی مطرح گردیده است.

تقریر ساده این برهان عبارت است از:

- ۱- عقل در جهت تأمین منافع عاقل (تعقل کننده)، عمل می‌کند و حکم می‌دهد.
- ۲- حفاظت از وجود، اعتلای ادراک اراده، دفع الم و رنج، و کسب لذت، و ارتقا و اعتلای هریک از اینها، همان چیزی است که هدف عقل است.
- ۳- عقل، در همه افراد عاقل چشم انداز یکسانی ندارد؛ و گاهی با پرده‌هایی که بر آن کشیده می‌شود چشم عقل نابینا و کور می‌شود؛ و یا محدوده دید آن محدود و کوتاه می‌شود.
- ۴- یک عقل سلیم، برخی کارها را بد و برخی کارها را خوب می‌داند؛ و این موضوع یک امر مشترک بین عقول است.

۵- عقل سلیم، کاری را که خوب است اگرچه علی الظاهر و در چهارچوب مصالح و منافع این دنیا برای عاقل مضر باشد، بازهم آن را خوب می داند؛ و از آن سو کاری را که بد است، اگرچه در چهارچوب مصالح و منافع دنیایی برای فرد عاقل مفید باشد، بازهم آن را بد می داند.

۶- عقل سلیم، همیشه منافع و مصالح واقعی عاقل (تعقل کننده) را مد نظر دارد.

در نتیجه عقل سلیم در محاسبه حسن و قبح افعال، فقط در محدوده این جهان مادی نگاه نمی کند؛ بلکه منافع و مصالح عاقل را در هردو جهان دنیا و آخرت در نظر می گیرد^۱.

و به عبارت دیگر عقل سلیم به عنوان یک گزاره پایه بر وجود زندگی پس از مرگ همراه با ثواب و عقاب اعمال، گواهی می دهد.

نتیجه گیری، خلاصه و پیشنهادها

بر اساس ضرورت های مختلف این دوران و ظهور و بروز انواع الحاد های نوین و از طرفی به چالش کشیده شدن بسیاری از براهین قدیم، همچنین با توجه به گسترش دانش بشر در حوزه های جدید و بدیع، ضرورت دارد که براهین خداشناسی نیز بازنگری شده و حرف های تازه و نویی در این خصوص ارائه شود.

در همین راستا این نوشتار کوتاه، تعدادی برهان جدید مطرح ساخت؛ که البته این آغاز و مقدمه ای است برای نقد، بررسی، ارائه و اثبات برهان های بهتر یا کامل تر.

مناسب است که اندیشمندان و بزرگان این حوزه، منابع و کتاب های آموزشی اعتقادی جوانان و نوجوانان را نیز با همین هدف مورد بررسی و بازنگری قرار دهند؛ و از همه امکانات رسانه ای و امروزی در این جهت بهره برداری کنند؛ چرا که نسل آینده ای که در معرض هجوم انواع الحاد های جدید است، همین جوانان و نوجوانان امروز هستند.

۱ - لازم به ذکر است که این برهان الهام گرفته از آیه شریفه ۱۷۲ سوره اعراف می باشد .

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ((۱۷۲))

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

هوش مصنوعی در آدرس :

<https://chat.deepseek.com/>

<https://chat.avalai.ir/chat>

[/https://fa.wikifeqh.ir](https://fa.wikifeqh.ir) : دانشنامه ویکی فقه در آدرس :

[/https://fa.wikishia.net](https://fa.wikishia.net) : دانشنامه ویکی شیعه در آدرس :

[/https://mesbahyazdi.ir](https://mesbahyazdi.ir) : پایگاه اطلاع رسانی دروس آیت الله مصباح :

[/http://www.shiadays.ir](http://www.shiadays.ir) : پایگاه اطلاع رسانی دروس آیت الله جوادی آملی :

<https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1094877.pdf> : مقاله نظام فلسفی جدید حکمت علوی در آدرس :

[/https://civilica.com/doc/1747834](https://civilica.com/doc/1747834) : و یا آدرس :



Four new arguments for the existence of God

Mohammad Sajedi¹

Abstract

Throughout the history of human belief, many proofs, reasons, and evidences for the necessity of the inherent existence or, in religious terms, the proof of the existence of the Almighty have been issued by philosophers, theologians, and religious mystics; these proofs have often been appropriate to the intellectual, cultural, and scientific atmosphere of each era or have been suitable for answering the questions raised. Some of these proofs have later been criticized, challenged, revised, or replaced with better proofs.

Today, with the emergence and discovery of new knowledge of existence or the significant progress of some previous sciences and knowledge, the need to revise some past proofs or present proofs that are appropriate to the sciences and needs of the day has become greater than ever. . For this reason, in the following article, several new proofs for the existence of the Creator of existence are presented and proven by the method of theorizing. These include: The argument of duality; the argument of my existence (A Siddiqin argument); the argument of refusal and necessity; the argument of the creation of rules

The method of theorizing in this article is somewhat different from the conventional structure of many articles. This is due to the necessity of presenting new hypotheses and theories. This evidence is derived from the new philosophical system of Alavi wisdom..

Keywords: The argument of duality; the argument of the righteous; the argument of my existence; the argument of refusal and necessity; the argument of the creation of rules.

¹ - Master of Arts in Philosophy of Religion, Research Expert, Shahid Motahari Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, sajedi@um.ac.ir.